

ادب دعا چیست/ راز توصیه به صلوات در اول دعا

آیت الله جوادی آملی با اشاره به روایاتی از ائمه اطهار(ع) در باب یاد خدا به تشریح راز توصیه به صلوات در اول دعا پرداخت ...



آیت الله جوادی آملی با اشاره به روایاتی از ائمه اطهار(ع) در باب یاد خدا به تشریح راز توصیه به صلوات در اول دعا پرداخت و گفت: ادب دعا این است که اول انسان ذکر کند، ثنا کند، حمد بکند، بعد درود بر علی و اولاد علی و اهل بیت بفرستد، بعد چیزی بخواهد؛ این ادب دعا است؛ چون دعا بدون درود بر این خاندان مستجاب نیست، اگر هم چیزی نصیب انسان بشود، آن آزمون است. آن استجاب دعا نیست، آن رحمت نیست.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در بخشی از تفسیر آیه 152 سوره بقره (فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ) به روایاتی از ائمه اطهار(ع) درباره ذکر اشاره کرده و می گوید: ... گاهی ذکر جای دعا می نشیند یعنی قبل از اینکه انسان به دعا بپردازد، همان یاد حق و نام حق، کار دعا را انجام می دهد. کتاب شریف اصول کافی جلد دوم، مسائلی درباره قرآن دارد، مسائلی درباره دعا دارد، مسائلی هم در باب ذکر. باب ذکر بحثی است جدا، در کنار باب دعا و باب قرآن است، گرچه عنوانی که دادند همان عنوان «کتاب الدعاء» کافی است ولی این باب ذکر را در همان «کتاب الدعاء» کافی ذکر کرده اند.

وی می افزاید: بابی که الآن مطرح است، عنوانش این است: «باب ما يجب من ذکر الله عزوجل فی کل مجلس»؛ هر جا انسان می نشیند باید به یاد خدا باشد، روایت اولی از امام ششم(ع) است که فرمود: «ما من مجلس یجتمع فیه ابرار و فجار فیقومون علی غیر ذکر الله عزوجل الا کان حسرة علیهم یوم القيامة»؛ هیچ مجلسی نیست که عده ای در آن مجلس بنشینند (چه نیک، چه بد) و یاد خدا نکنند، مگر اینکه آن مجلس اگر یاد خدا نکردند برای اینها حسرت و وبال می شود در روز قیامت، که چرا یک ساعت یا کمتر و بیشتر اینجا نشستند و به یاد خدا متذکر نبودند.

مجلس بدون یاد خدا و ائمه اطهار(ع) مجلس حسرت است

این مفسر قرآن تأکید می کند: روایت دوم هم به همین مضمون است که امام ششم می فرماید «ما اجتمع فی مجلس قوم لم یذكروا الله عزوجل ولم یدکرونا الا کان ذلك المجلس حسرة علیهم یوم القيامة ثم قال: ابو جعفر(ع) «ان ذکرنا من ذکر الله و ذکر عدونا من ذکر الشیطان»؛ فرمود: اگر کسی بنشیند، نام خدا و نام علی و اولاد علی، اهل بیت عصمت و طهارت را (ع) نبرد، آن مجلس بر او حسرت است، بعد فرمود: نام ما، نام خدا است؛ همان بیانی که امام هشتم(ع) فرمود که «لا اله الا الله» حصن خدا است. شروطی دارد «انا من شروطها» ، سایر ائمه هم فرمودند قبل از امام هشتم فرمودند، اول وجود مبارک رسول خدا فرمود که ولایت علی و اولاد علی(صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین) این حصن خدا است، جدای از حصن توحید نیست. فرمود: یاد دشمنان ما یاد شیطان است.

تسبیحات حضرت زهرا(س) مصداق ذکر کثیر است

آیت الله جوادی آملی در ادامه با اشاره به کتاب کافی به بیان روایتی از امام صادق(ع) مبنی بر نامحدود بودن یاد خدا پرداخته و می گوید: ... آنگاه روایت بعدی را از رسول خدا(ص) نقل کرد که «من أكثر ذکر الله عزوجل أحبته الله و من ذکر الله کثیراً کتبت له براءتان براءة من النار و براءة من النفاق»؛ اگر کسی زیاد به یاد حق باشد از آتش و از نفاق نجات پیدا می کند و یکی از مصادیق ذکر کثیر تسبیح مبارک صدیقه طاهره(س) است که بعد از نماز هست.

وی در بخشی از تفسیر آیه 152 بقره، با اشاره به حدیثی از امام صادق(ع) در باب ادب دعا خاطر نشان می کند: ... از امام ششم(ع) نقل شده است: «من شغل بذکری عن مسألتی أعطیته أفضل ما أعطی من سألنی»؛ اگر کسی مشغول یاد من شد و در اثر اشتغال به یاد من چیزی از من نخواست، به ذکر از دعا مشغول شد، من بهترین چیزی که به سائلینم می دهم به او خواهم داد. در روایت دوم این است که امام ششم(ع) طبق این نقل فرمود: «ان العبد لیکون له الحاجة الي الله عزوجل»؛ انسانی یک نیازی دارد «فیبدا بالثناء علی الله والصلوة علی محمد وآل محمد حتی ینسی حاجته فیقضیها الله له من غیر أن یسأله إیّاها»؛ این

کدام بنده است و کدام ذاکر است؟ فرمود: انسان يك حاجتي دارد وقتي رو به قبله قرار مي‌گیرد مي‌نشیند در کنار سجاده‌اش يا غير سجاده؛ چون ادب دعا اين است که اوّل انسان ذکر کند، ثنا کند، حمد بکند، بعد درود بر علي و اولاد علي واهل بيت بفرستد، بعد چيزي بخواهد؛ اين ادب دعا است... چون دعا بدون درود بر اين خاندان مستجاب نيست، اگر هم چيزي نصيب انسان بشود، آن آزمون است. آن استجابت دعا نيست، آن رحمت نيست.

راز توصيه به صلوات در ابتدای مسألت از خدای سبحان

اين مفسر و مدرس عالی حوزه در ادامه تصريح می‌کند: اين در بیانات حضرت امير(ع) در کلمات قصار نهج البلاغه است، فرمود: هر وقت حاجتي داريد بالأخره با صلوات بخواهيد، اين چنين نباشد که بدون صلوات دعا بکنيد. بياني سيدنا الاستاد(رضوان الله عليه) داشتند که سرّش اين است، وقتي انسان صلوات مي‌خواهد، از خدای سبحان رحمت بر اين خاندان طلب مي‌کند، وقتي به اين خاندان رحمت رسيد به همه شيعيانشان مي‌رسد. ما وقتي براي اين خاندان از خدای سبحان رحمت طلب مي‌کنيم رحمت به اينها مي‌رسد اولاً و به برکت اينها به همه دوستان و شيعيانشان مي‌رسد ثانياً. در حقيقت ما که صلوات مي‌فرستيم، حاجت خود را هم خواستيم و حاجت خودمان را هم طلب مي‌کنيم. اين است که در کلمات قصار حضرت امير(ع) در نهج البلاغه هست که حاجتي داريد، دعائي مي‌خواهيد بکنيد، بدون صلوات نکنيد وگرنه مقضي نيست.

آيت الله جوادی آملی یادآور می‌شود: در صحيفه سجاديه اصلاً ادب دعا را حضرت به انسان ياد مي‌دهد، قبل از دعا صلوات، بعد از دعا صلوات، لذا امام ششم(ع) مي‌فرمايد که اين انسان وارد ثنائي حق مي‌شود، آن قدر ياد حق براي او لذيت و گوارا است که حاجتش از يادش مي‌رود. خب، حالا خدا چه مي‌کند؟ خدا که وَمَا كَانَ رَبُّكَ تَسِيًّا ،« لا يشغله شأن عن شأن« ؛ چيزي او را از چيزي باز نمي‌دارد، خب، مي‌داند اين شخص الآن سرگرم لذت بردن به مناجات است، حاجت او را برآورده مي‌کند. اين فاذْکُرُونِي اُذْکُرْکُمْ است، فرمود: شما به ياد من باشيد، وسطها اگر چيزي از يادتان رفته خدا جبران مي‌کند: « حتي ينسي حاجته« ؛ انسان در حالت حاجت از خيلي از امور غفلت مي‌کند، خيلي از کارها يادش مي‌رود، خيلي از امور را فراموش مي‌کند، فقط به فکر حاجت است، اما لذت ياد حق چقدر شيرين است که انسان، حاجتش هم از يادش مي‌رود: « حتي ينسي حاجته«.

ياد خدا در سرّ

وی در ادامه با اشاره به روایتی از کتاب کافی در باب ذکر تصريح می‌کند: ... امير المؤمنين(ع) فرمود: « من ذکر الله عزّوجلّ في السر فقد ذکر الله کثيراً«؛ اگر کسی در قلبش (سرّ نه يعني در خلوت که کسی نبود) حالا خواه در ملاء عام باشد و انسان به ياد حق باشد در قلب يا به تنهائي، هر دو سرّ است، فرمود: اگر کسی سرّاً به ياد حق بود، « فقد ذکر الله کثيراً«، آنگاه به اين آيه استدلال کرد که « ان المنافقين کانوا يذکرون الله علانية ولا يذکرونه في السرّ، فقال الله عزّوجلّ: يراءون الناس ولا يذکرون الله إلا قليلاً« ؛ اينها فقط در حضور مردم به ياد حق اند، در درون به ياد حق نيستند يا در حالت خلوت هم به ياد حق نيستند.

آيت الله جوادی آملی در بخشی ديگر از تفسير آيه 152 بقره، با تأکيد بر اينکه ياد حق قلب را نوراني مي‌کند، به تشريح آثار ذکر پرداخته و می‌افزايد: ... از رسول خدا(ص) نقل شده است که عقل را عقل مي‌گویند براي اينکه زانوي شهوت و غضب سرکش را عقال مي‌کند، آن زانوبند را مي‌گویند عقال. اگر ساربان زانوي اين شتر سرکش را عقال نکند آن مي‌رمد نمي‌آرمد، فرمود عقل را عقل گفتند براي اينکه زانوي شهوت و غضب را مي‌بندد. در اين بيان از حضرت امير(ع) رسیده است که عاقل کسی است که جلوي زبانش را بگيرد و جز به ياد حق به چيزي زبان را باز نکند... خب اين ياد حق است، فرمود: فاذْکُرُونِي اُذْکُرْکُمْ؛ به ياد من باشيد من به ياد شما هستم، معلوم مي‌شود که ياد حق گاهي انسان را از خطر گناه مي‌رهاند، گاهي از خطر مرگ (چه در دريا، چه در غير دريا) مي‌رهاند، گاهي هم انسان را از اندوه بالأخره نجات مي‌دهد. اين اثر ياد حق است که اگر کسی به ياد حق بود، خدای سبحان هم به ياد او است، به دنبالش هم فرمود: وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُون.